دو ماهنامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شمـارهٔ ۲۸، مهر و آبان ۱۳۹۸

نقد توصیفی و ساختاری سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری (شوخین‌ها)؛ گونه‌ای از اشعار عامه

اصغر شهبازی[*1]

(دریافت: ۲۰/ ۲/ ۱۳۹۸ پذیرش: ۹/ ۴/ ۱۳۹۸)

چکیده

سوگ‌چکامه یا «شوخین» (šowxin) در زبان بختیاری، گونه‌ای از اشعار عامه و حماسی است که در ضمن آن، رشادت‌ها، دلاوری‌ها، مبارزات و کشته شدن یکی از بزرگان یا دلیرمردان قوم بختیاری به تصویر کشیده می‌شود. این اشعار همچون سایر اشعار عامه، به‌وسیلهٔ افرادی ناشناس از عامهٔ مردم سروده شده‌اند و در ترتیب و تعداد ابیات آن‌ها اختلاف وجود دارد و عمدتاً ترجمان عشق و ارادت عامهٔ مردم به قهرمانان قومی خود هستند. البته، در ضمن این اشعار به پاره‌ای از آداب و رسوم، باورها و مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی قوم بختیاری نیز اشاره شده است. از آنجا که در بیشتر آثاری که دربارهٔ زبان و ادب عامهٔ مردم ایران نوشته شده، آن‌گونه که شایسته است به این نوع از اشعار توجه نشده است، در این مقاله با مروری بر تحقیقات موجود، این‌گونه از اشعار عامهٔ بختیاری معرفی و توصیف شده‌اند و به‌طور خلاصه مشخص شده است که حدود ۲۴ سوگ‌چکامه یا «شوخین» (۳۸۹ بیت) در زبان بختیاری وجود دارد که از این تعداد، چهار نمونه از آن‌ها، جزو سوگ‌چکامه‌های برجسته و مهم‌اند. همچنین، در این مقاله به مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری و محتوایی سوگ‌چکامه‌های بختیاری، از قبیل قالبی بودن، داشتن عناصر و زمینه‌های شعر حماسی، توصیفات قوی و... اشاره شده و نشان داده شده است که این اشعار جزو اشعار تأثیرگذار عامه‌اند و از این رو، شایسته است که در بررسی اشعار عامهٔ اقوام گوناگون، به آن توجه شود.

واژه‌های کلیدی: اشعار عامه، زبان بختیاری، سوگ‌چکامه، شوخین (شبیخون)، علیمردان‌خان، بی‌بی مریم.

---

۱ . استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شهرکرد (نویسندهٔ مسئول).

*asgharshahbazi88@gmail.com

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

۱. مقدمه

اشعار عامه، آینۀ ذوق و هنر عامۀ مردم و معرف خلق و خوی اقوام گوناگون‌اند و از این روی، شناخت اقوام مختلف، بدون شناخت فرهنگ، زبان و ادب عامه میسر و کامل نیست. همۀ کسانی که دل در گرو شناخت اقوام مختلف ایرانی دارند و می‌خواهند آداب و رسوم، خلق و خو، ذوق و هنر عامۀ مردم را بشناسند، لازم است که مطالعۀ زبان و ادب عامه را در اولویت مطالعات خود قرار دهند.

ادب عامه، گسترۀ وسیعی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی آن را به ادب داستانی عامه، ادب نمایشی عامه، ادب غیرروایی عامه و شعر عامه (ادب منظوم عامه) تقسیم می‌کنند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۴۰). در این تقسیم‌بندی، شعر عامه خود به فروعی همچون اشعار شادی، اشعار سوگ، اشعار بازی و سرگرمی، اشعار خواب و نوازش، اشعار نیایشی و اشعار تغزلی تقسیم می‌شود که البته، هر کدام از آن فروع، خود چندین‌گونه از اشعار عامه را شامل می‌شود. وانگهی این فروع و گونه‌ها در مناطق مختلف با تنوعی کم‌نظیر و چشمگیر همراه‌اند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت مطالعۀ همه‌جانبۀ آن‌ها نیازمند همت و تلاش گروهی است.

در همین راستا، قوم بختیاری یکی از اقوامی است که بنا بر تحقیقات پژوهشگران حوزۀ زبان و ادبیات عامه، دارای زبان و ادب عامۀ برجسته و گسترده‌ای است و این موضوع را اشعار عامۀ گوناگون آن قوم به اثبات رسانده‌اند. اگرچه با همۀ تلاش‌های صورت‌گرفته، هنوز هم گونه‌هایی از اشعار عامه وجود دارد که آن‌طور که شایسته است، معرفی و شناسانده نشده‌اند و بیم آن وجود دارد که همین ناشناخته ماندن سبب فراموشی آن‌ها شود که از آن اشعارند «سوگ‌چکامه»های حماسی یا «شوخین»های (شبیخون) بختیاری که قرار است در این مقاله بدان‌ها پرداخته شود.

گفتنی است که این نوع اشعار به قوم بختیاری اختصاص ندارد و مثلاً در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز چنین اشعاری وجود دارد که از آن جمله‌اند. اشعاری که پس از مرگ میرمذکور و میرغارتی سروده شده‌اند (سیاهپور، ۱۳۹۲: ۳۴ – ۳۵) یا اشعاری که پس از کشته شدن کی‌لهراسب در نبرد با رضاشاه در تنگ «تامرادی» گفته شده است (همان، ۳۶ – ۳۹ ، ۴۳ – ۴۸).

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]
[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

سوگ‌چکامه یا شوخین، سروده‌ای است گویشی که سرایندهٔ آن مشخص نیست؛ اما انگیزهٔ سرودن آن، دلاوری‌ها و قهرمانی‌های یکی از پهلوانان یا بزرگان قوم بختیاری است و از همین رو، مضمون اصلی آن بیان دلاوری‌ها و رشادت‌های قهرمانان یا بزرگان ایل بختیاری است. کسانی که در راه وطن، آزادی و آرمان‌های قومی و مذهبی، با هیئت حاکم و مخالفان جنگیده‌اند و در آن راه، تا پای جان ایستادگی کرده و درنهایت، عزتمندانه کشته شده‌اند.

متأسفانه و با وجود نمونه‌های برجسته‌ای از این‌گونه اشعار عامه در زبان بختیاری، این نوع از اشعار عامه، آن‌چنان‌که باید و شاید، در کتب و مقالات مرتبط با زبان و ادب عامه توجه نشده‌اند و از این رو، در این مقاله، با طرح پرسش‌های زیر، این نوع از اشعار عامه (در زبان بختیاری) نقد و بررسی شده‌اند:

الف) سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری یا شوخین‌ها (شبیخون‌ها) به چه نوع اشعاری گفته می‌شود؟

ب) سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری چه ویژگی‌های محتوایی و ساختاری‌ای دارند؟

ج) معروف‌ترین شوخین‌های زبان بختیاری کدام‌اند؟[1]

د) ارزش‌های زبانی، فرهنگی و تاریخی سوگ‌چکامه‌ها یا شوخین‌های بختیاری با توجه به شعر عامه کدام‌اند؟

۲. پیشینهٔ تحقیق

نخستین منبع مکتوبی که می‌توان در آن ابیات پراکنده‌ای از سوگ‌چکامه‌های بختیاری، البته نه با این عنوان یافت، کتاب *موادی برای بررسی گویش‌های ایرانی* اثر ژوکوفسکی (۱۸۵۸ – ۱۹۱۸م) است که در آن ۴۲ قطعه شعر (مال) عامهٔ کوتاه و بلند بختیاری جمع آوری شده است و در آن اشعار، ابیاتی وجود دارد که بعدها سرایندگان «شوخین‌ها» از آن استفاده کرده‌اند؛ ازجمله ابیاتی که در قطعهٔ شمارهٔ ۱۰ وجود دارد (ژوکوفسکی، ۱۳۹۶: ۲۳۲).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

پس از وی، اولین فردی که به ثبت و ضبط سوگ‌چکامه‌های بختیاری مبادرت ورزیده است، عبدالعلی خسروی است. وی در کتاب *تاریخ و فرهنگ بختیاری* در ضمن معرفی جنگ‌های برون و درون‌مرزی بختیاری، از اشعاری با نام اشعاری سخن گفته که عامهٔ مردم پس از آن جنگ‌ها سروده و سینه به سینه نقل شده و به ما رسیده‌اند. وی این اشعار را «بیت‌سرایی» با انگیزهٔ حماسی دانسته که به تقلید از شاهنامه‌خوانی (هفت‌لشکرخوانی در بختیاری) به‌وجود آمده‌اند (خسروی، ۱۳۷۲: ۵۱ – ۱۰۶، ۳۰۹).

پس از خسروی، بیژن حسینی (۱۳۷۶: ۲۱ – ۷۸) در کتاب *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری* فصلی را به این‌گونه اشعار با عنوان «اشعار حماسی» اختصاص داده و با همت و تلاش ستودنی، بیشتر سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری را ثبت کرده؛ اما دربارهٔ ساختار و ارزش‌های زبانی و ادبی آن‌ها سخنی نگفته است.

کاظم پوره (۱۳۸۱: ۱۰۱ – ۱۴۱) نیز در کتاب *موسیقی و ترانه‌های بختیاری* با تمایز قائل شدن میان جنگ‌های حماسی و جنگ‌های قومی و قبیله‌ای، برخی از این اشعار را حماسی و برخی از آن‌ها را «سوگینه» دانسته و بخش‌هایی از آن اشعار را در کتاب خود آورده است؛ اما وی نیز دربارهٔ ارزش‌های زبانی و ادبی آن‌ها بحث نکرده است.

پس از او، علی آسمند (۱۳۸۰: ۸۹ – ۹۱) در کتاب *تاریخ ادبیات در قوم بختیاری* با اشاره به جنگ‌های بختیاری، به سروده شدن اشعاری پس از این جنگ‌ها اشاره کرده و ابیاتی از سروده‌های آعلیداد، ابوالقاسم‌خان و علی‌مردان‌خان را با عنوان اشعار حماسی نقل کرده؛ اما وی نیز دربارهٔ جایگاه این اشعار، مطلبی بیان نکرده است.

حسن ذوالفقاری و احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸: ۱۴۳ – ۱۷۰) در مقالهٔ «گونه‌شناسی بومی‌سروده‌های ایران» بیان کرده‌اند که بخشی از ترانه‌های سوگ به بزرگداشت قهرمانان ملی و منطقه‌ای اختصاص دارد و نمونه‌هایی از آن ترانه‌ها را از جنوب، فارس و شمال برشمرده‌اند؛ اما به این‌گونه اشعار در منطقهٔ بختیاری اشاره نکرده‌اند. ذوالفقاری (۱۳۹۷: ۳۰۴ – ۳۶۴) که در کتاب *زبان و ادبیات عامهٔ ایران* به تفصیل از انواع شعر عامه در بختیاری سخن گفته، به این نوع از اشعار عامهٔ بختیاری اشاره نکرده است.

محمد حنیف (۱۳۸۶: ۱۳۲) در کتاب *سور و سوگ در فرهنگ عامهٔ لرستان و بختیاری* موسیقی و ترانه‌های بختیاری را از منظر موضوع و محتوا، تقسیم‌بندی کرده و

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

ذیل ادبیات و موسیقی حماسی، به‌صورت اجمالی به اشعار «علیداد»، «نامدارخان»، «ابوالقاسم‌خان» و «شیرعلی‌مردان» اشاره کرده و بیان داشته است که ادبیات و موسیقی حماسی بختیاری در بیت‌های همچون بیت علیداد و... برجسته می‌شود. بنابراین، به‌نظر می‌رسد، حنیف از این اشعار با عنوان «بیت» نام برده باشد.

غفاری (۱۳۸۸: ۱۷۱) نیز در مقالهٔ «موسیقی سوگ در ایل بختیاری» این نوع از اشعار را ذیل «سوگ‌آواز»ها آورده است.

عباس قنبری عدیوی (۱۳۹۱: ۱۰۹ – ۱۱۲) نیز در کتاب *ادبیات عامهٔ بختیاری* این اشعار را جزو اشعار غیرموسمی (از نوع حماسی) قرار داده و نمونه‌هایی از آن‌ها (شیرعلی مردون و همکاران) را نقل کرده و برای اولین‌بار، برخی از ویژگی‌های محتوایی این اشعار را بر شمرده است.

قاضی‌زاده (۱۳۹۵: ۱۰۸ – ۱۳۲) نیز در کتاب *جامعه‌شناسی شعر بختیاری* نمونه‌هایی از این اشعار را نقل کرده؛ اما دربارهٔ ارزش‌های ادبی و زبانی آن‌ها یا مباحث جامعه‌شناختی آن‌ها سخنی نگفته است.

از آنجا که در آثار و مقالات چاپ‌شده در سطح ملی و منطقه‌ای، به این‌گونه از شعر عامهٔ بختیاری به‌خوبی توجه نشده است و حتی در نامیدن آن‌ها و جایگاه آن‌ها در میان اشعار عامه، اختلاف‌نظر وجود دارد و به‌تبع آن، ارزش‌های زبانی، ادبی و فرهنگی این گونه از اشعار عامه، کاویده نشده است، نگارنده بر آن شد تا در قالب این مقاله، به این موضوع بپردازد. باشد که این مقاله بتواند این‌گونه ادب عامه را به مخاطبان خود بیشتر و بهتر معرفی کند.

۳. روش تحقیق

روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق بخشی میدانی و بخشی کتابخانه‌ای و روش تحقیق از نوع تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی است. به این صورت که پس از گردآوری کامل این‌گونه از اشعار عامهٔ بختیاری، این اشعار تصحیح، ویرایش و آوانویسی و آن‌گاه معروف‌ترین نمونه‌های آن‌ها معرفی و نقل شده‌اند و درنهایت، به اهم ویژگی‌های زبانی، ادبی، ساختاری و محتوایی آن‌ها اشاره شده است. در جمع‌آوری

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

میدانی این‌گونه از اشعار، به‌ویژه اشعاری که در این مقاله بررسی شده‌اند، راویان عبارت اند از: عزت جباری (شهرستان اردل)، روح‌الله کریمی (شهرستان کوهرنگ) و کوروش اسدپور (شهرستان لردگان). البته، با توجه به اینکه بیشتر این سوگ‌چکامه‌ها امروزه در قالب کتاب یا مقاله منتشر شده‌اند، نگارنده از منابع نوشتاری موجود هم بهره برده است. وانگهی برخی از این سوگ‌چکامه‌ها در قالب کاست‌هایی ضبط شده که نگارنده خود چند نمونه از آن‌ها را در اختیار داشته است.

۴. ضرورت و اهمیت تحقیق

چنانکه گفته شد، بیشتر کسانی که در حوزهٔ اشعار عامهٔ بختیاری تحقیق کرده‌اند، صرفاً این‌گونه از اشعار یا تعدادی از این اشعار را در قالب کتاب یا مقاله منتشر کرده‌اند و حتی در نام‌گذاری این نوع از اشعار، وحدت‌نظر وجود ندارد و برخی، آن‌ها را جزو اشعار حماسی و جنگ (شوخین) و برخی جزو اشعار غنایی و سوگ (گاگریوه) قرار داده‌اند. وانگهی دربارهٔ ویژگی‌های زبانی، ساختاری و فرهنگی این نوع از اشعار هم بحث نشده است. از این رو، این مقاله در پی این ضرورت‌ها فراهم شده است.

۵. بحث اصلی

۵ ـ ۱. سوگ‌چکامه‌های حماسی (شوخین) گونه‌ای از اشعار عامهٔ بختیاری

استان چهارمحال و بختیاری یکی از استان‌های کشور ایران است که در یک تقسیم‌بندی (بر مبنای زبان) از دو بخش چهارمحال و بختیاری تشکیل شده است. چهارمحال در این تقسیم‌بندی، مناطقی (محال جمع محل/ بخش) را شامل می‌شود که در حال حاضر، زبان آن‌ها، گونه‌ای از زبان فارسی است، مانند شهرستان‌های شهرکرد، بروجن و بخش‌هایی از شهرستان‌های کیار و میزدج. بختیاری در این تقسیم‌بندی، منظور شهرستان‌هایی است که اکنون به زبان بختیاری که گونه‌ای از زبان لری است سخن می‌گویند؛ یعنی مردم شهرستان‌های لردگان، اردل، کوهرنگ و بخش‌هایی از شهرستان‌های کیار و میزدج. البته، در این استان، در شهرستان‌های سامان و بن و به‌صورت پراکنده در مناطق دیگر، گویشورانی نیز به زبان ترکی وجود دارند که در این

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

مقاله مدنظر نیستند؛ زیرا در این مقاله، جامعهٔ آماری، مردم بختیاری‌زبان، با تأکید بر شهرستان‌های اردل، کوهرنگ و لردگان است.

در میان مردم بختیاری‌زبان این استان، بنا بر سابقهٔ تاریخی و حضور چشمگیر در عرصه‌های سیاسی ـ اجتماعی، به خصوص در دوره‌های قاجار و پهلوی، گونه‌ای از اشعار عامه به‌وجود آمده است که «شوخین» یا «شوخی» نامیده می‌شوند. «شوخین» یا «شوخی» کوتاه‌شده یا دگرگونهٔ واژهٔ «شبیخون» است؛ چون بختیاری‌ها به «شب»، «شو» و به «خون»، «خین/ حین» می‌گویند. بنابراین، «شوخین» یا «شوخی» یا «شوخی‌زدن»، یعنی «شبیخون‌زدن» (مددی، ۱۳۹۲: ۱۹۲) و در اصطلاح به‌نوعی از اشعار عامه گفته می‌شود که دربارهٔ شبیخون زدن یکی از بزرگان یا قهرمانان ایل به سپاه ظلم سروده شده باشد.

دربارهٔ سیر تاریخی یا چگونگی شکل‌گیری این اشعار، می‌توان گفت اشعار عامهٔ بختیاری، ویژگی‌های مخصوصی دارند که یکی از آن‌ها، قالبی بودن است. قالبی بودن به این معناست که بسیاری از ابیات بختیاری به‌صورت الگوهای ثابت شعری در آمده و بعدها به همان صورت ثابت و قالبی، در مواضع دیگر سرایندگان از آن استفاده کرده‌اند و درنتیجه، ابیات حاصل تنها در نام اشخاص یا برخی از واژه‌ها، تفاوت دارند. بنابراین، می‌توان گفت اساس سوگ‌چکامه‌های بختیاری، ابیات قالبی و قابل جایگزینی است که بیشتر ورد زبان مردم بوده است که عمدتاً هم ثبت نشده بودند تا آن‌گاه که یک حادثهٔ مهم و تأثیرگذار در میان قوم بختیاری به وقوع می‌پیوست و صاحبان ذوق و هنر را وامی‌داشت تا از ترکیب آن ابیات ثابت با ابیات چندی که خود می‌سرودند، چکامه‌ای می‌ساختند که چون عمدتاً بر محور جنگ و نبرد و شبیخون می‌گردید، بدان «شوخین» می‌گفتند. بر این اساس می‌توان گفت کهن‌ترین نمونهٔ مکتوب این‌گونه از اشعار، ابیاتی هستند که ژوکوفسکی (۱۳۹۶: ۳) در لابه‌لای اشعار عامهٔ بختیاری، در کتاب خود نقل کرده است.

در این سروده‌ها، دلاوری‌ها و رشادت‌های قهرمان ایل، تا کشته شدن شجاعانهٔ او به‌تصویر کشیده می‌شود. البته، بختیاری‌ها دربارهٔ همهٔ جنگ‌ها و افرادی که جنگ کرده‌اند، «شوخین» نسروده‌اند؛ بلکه دربارهٔ افرادی، شوخین سروده‌اند که نخست از

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

قهرمانان محبوب، خوش‌نام و بزرگ ایل باشند و سپس در راه آرمان‌هایی بزرگ همچون وطن، آزادی و دین جنگیده و درنهایت، کشته شده باشند.

این نوع از اشعار که در این مقاله، «سوگ‌چکامهٔ حماسی» نامیده شده‌اند، مانند بیشتر اشعار عامه، سرودهٔ افرادی بی‌نام و نشان از عامهٔ مردم‌اند. مردمی که قهرمانان قومی خود را دوست می‌دارند و او را تا پای جان یاری می‌دهند و بعد از مرگ نیز، یاد او را در قالب چنین اشعاری زنده نگه می‌دارند. بر همین اساس می‌توان گفت این نوع از اشعار عامه در میان بختیاری‌ها دارای جایگاه رفیعی هستند. کمتر کسی از زنان و مردان بختیاری است که سوگ‌چکامهٔ «شیر علی‌مردون» (علی‌مردان‌خان بختیاری) را بشنوند و اشک از چشمانش جاری نشود.

شوخین‌ها یا سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری، از نظر درون‌مایه و محتوا، عمدتاً حماسی‌اند؛ یعنی عناصر و زمینه‌های اصلی یک شعر حماسی، مانند زمینه‌های قومی، ملی، قهرمانی و روایی را با شدت و ضعف دارند؛ اما از آنجا که با انبوهی از احساس و عاطفه همراه‌اند، برخی آن‌ها را سوگینه نامیده‌اند.

چنانکه گفته شد سرایندگان این اشعار، عامهٔ مردم‌اند؛ اما مجریان یا اجراکنندگان این سوگ‌چکامه‌ها، خوانندگان بختیاری یا همان سرودخوانان مراسم‌های سوگواری (گاگریوه‌خوانان) و گاهی آوازخوانان هستند. امروزه این اشعار عمدتاً در یادواره‌هایی که برای آن بزرگان و قهرمانان، برپا می‌شود، به‌وسیلهٔ خوانندگان بختیاری همراه با موسیقی اجرا می‌شوند. البته، چون این اشعار قالبی هستند، گاهی در مراسم‌های سوگواری جوانان تازه گذشته نیز خوانده می‌شوند؛ به این صورت که مداحان به‌جای نام قهرمان اصلی، نام متوفی را قرار می‌دهند و آن اشعار را می‌خوانند.

در این سوگ‌چکامه‌ها، سراینده، دانای کل است؛ یعنی تمام واقعه را از ابتدا تا انتها می‌داند. از این رو، تمام آن روایت را نقل نمی‌کند. او به‌گونه‌ای ماهرانه و همچون تکنیک جریان سیال ذهن در داستان‌نویسی، شنونده یا مخاطب را در میانهٔ ماجرا قرار می‌دهد و همین‌طور که شعر را ادامه می‌دهد، مخاطب را با قهرمان و چگونگی نبرد و کشته‌شدنش آشنا می‌سازد. در شوخین یا سوگ‌چکامهٔ «شیر علی‌مردون» (علی‌مردان‌خان بختیاری)، سراینده بدون مقدمه‌چینی، ابیاتی را از زبان علی‌مردان‌خان نقل می‌کند:

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

کُیه تیپ؟ کُیه سپاه؟ کُیه فراشم؟ ره بِدین دام و دَدوم بیان سرِ لاشم
بی‌عروس تو کِل بزن تا مو کنم جنگ شُمشیرم وِ گِل زنم سی ایل چالنگ

Koye tip? Koye sepâh? Koye farâšom? Rah bedin dâm o dadum biyân sare lâšom// bi arus to kel bezan tâ mo konom jang šoširom ve gel zanom si ile čâlang.

برگردان: تیپ، سپاه و خدمتکارانم کجایند؟ راه را باز کنید تا مادر و خواهرانم به سر جسدم بیایند. بی‌بی عروس تو هلهلهٔ شادی سر بده تا من بجنگم و برای نجات ایل چهارلنگ، شمشیرم را از غلاف بیرون بکشم.

آن‌گاه سراینده، پس از سیزده بیت، به نبرد علی‌مردان‌خان بختیاری با رضاشاه پهلوی در منطقهٔ بختیاری اشاره می‌کند:

چی کِلا پرپر کُنُم رُم سر فِردون اسمِ شانِه کور کُنُم سی علی‌مردون
یَه گُردان زِ دولتی اِوی به سیمون گرگ کُه زال ایزنه سی بی‌کسیمون

či kelâ per per konom rom sare ferdun esme šâne kur konom si ali merdun/ ya gordân ze dowlati evey be simun gorge koh zâl izane si bikesimun.

برگردان: مانند کلاغی پرواز می‌کنم و بر فراز کوه فردون (وردون) می‌روم تا برای خاطر علی‌مردان، نام شاه را از صفحهٔ روزگار محو کنم. یک گردانِ نظامی از طرف دولت (حکومت رضاخان) برای مقابله با ما آمد. گرگ کوهساران نیز به‌دلیل بی‌کسی و تنهایی ما ناله می‌کند. (حسینی، ۱۳۷۶: ۷۶)

۵ ـ ۲. معروف‌ترین سوگ‌چکامه‌های حماسی (شوخین) بختیاری

۵ ـ ۲ ـ ۱. شوخین اسدخان بهداروند

اسدخان، رئیس طایفهٔ بهداروند بختیاری بود که از پرداخت مالیات به فتحعلی‌شاه قاجار سر باز زد. به همین دلیل، فتحعلی‌شاه، حکم دستگیری او را صادر کرد. وقتی او را دستگیر کردند، فتحعلی‌شاه دستور داد تا او را زنده‌به‌گور کنند. در روز موعود، کارگران که بیشتر دوستداران اسدخان بودند، خوب دست به‌کار نمی‌بردند. به همین دلیل، اسدخان خود بیل و کلنگ را گرفت و گور خود را کند. فتحعلی‌شاه که از این همه شهامت، تعجب کرده بود، او را در ازای تأمین زغال برای کارخانهٔ مهمات‌سازی آزاد کرد.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

اسدخان پس از آن، به‌دلیل جفاهای حکومت در حق بختیاری‌ها، در محلی به‌نام «کلنگ‌چی» یا «کلنگ‌چین» با حکومت وارد جنگ شد. در این جنگ که ژنرال‌های فرانسوی یاریگر حکومت بودند، سپاه بختیاری پس از عبور از تنگهٔ صعب‌العبوری، در جلوی صخره‌ای به محاصره در آمد. اسدخان برای عبور از صخره، دستور داد بسیاری از احشام را کشتند تا بتوانند پشته‌ای فراهم کنند و به بالای صخره صعود کنند. بالاخره عده‌ای صعود کردند؛ اما بسیاری از پیرمردان و کهنسالان جان باختند. اسدخان خود توانست از این مهلکه جان سالم به‌در ببرد و تا سال ۱۲۳۸ هجری نیز با حکومت جنگ کند و پس از آن درگذشت (رئیسی، ۱۳۷۵: ۹۴ – ۹۹). جنگ‌های شجاعانهٔ اسدخان سبب شد که مردم دوستدار وی، در ابیاتی نام او را جاویدان کنند:

کلنگچینه تَش زنم تش به سر تش   که‌خدا شوراکَشُم اِساق کَهیش

Kolangčine taš zanom taš be sare taš, kahxodâ šowrâkašom esâqe kahiš.

برگردان: منطقهٔ کلنگ‌چین را آتش می‌زنم؛ آتش پس از آتش! همراه با اسحاق کهیش که کدخدای طرفِ مشورت من است (اسحاق کهیش، بزرگ طایفهٔ کهیش و ایل سهونی که در جنگ کلنگ‌چین در کنار اسدخان بهداروند بود).

کول به کول، کول خدنگ، کولِ کلنگ‌چین   صحرانه سُوار گِرهد، دَورُم تفنگچین

Kul be kul, kule xadang kule kolangčin sahrane sovar gerehd dowrom tofangčin.

برگردان: دره به دره؛ درهٔ خدنگ و درهٔ کلنگ‌چین، همه‌جا را سواران گرفته‌اند و دور و بر من را تفنگچی‌ها اشغال کرده‌اند.

فرنگی گرازخوره، هی توپ اِریزه   کی گُدِه شاه اسدم، ذغال بویزه...

Farangi gorazxore, hey tup irize ki gode šâh asadom zoqal bevize.

برگردان: فرنگی گرازخوار (خدانشناس) است و دائماً با گلوله‌های توپ به‌سمت ما شلیک می‌کند. چه کسی گفته است که اسدخان باید زغال تهیه کند؟

رحمانی بَرده بِنه زیر تفنگم   هفت‌وچار، وا دینارون وِیدن به جنگم

Rahmani barde bene zire tofangom hafto čâr va dinarun veyden be jangom.

برگردان: آقای رحمانی (از افراد اسدخان) سنگ را زیر تفنگ من بگذار؛ زیرا طوایف ایل هفت‌لنگ و چهارلنگ به‌همراه طوایف دینارون به‌جنگ من آمده‌اند.

شیرم با شاه اسد خوس و گِگونس   دِشمنون گُرُهدنه ز شهنه مونس

Širom bâ šâh asad xoso gegunes dešmenun gorohdene ze šehne munes.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

برگردان: شاه اسد خودش و برادرانش، شیران و عزیزان من هستند؛ زیرا دشمنان از صدای شیههٔ مادیانش گریخته‌اند.

شمشیر شاه اسد چی نیزه اَفتو هَمسو که زَنِس به گِل دِشمن کُنه تَو

Šošire šâh asad či neyze afto haso ke zanes be gel dešmen kone tow.

برگردان: شمشیر اسدخان (شاه اسد) مانند تیغهٔ آفتاب است. وقتی که از نیام در می‌آید، دشمنان تب می‌کنند. (همان، ۲۵ – ۲۹)

۵ ـ ۲ ـ ۲. شوخین علی مردان‌خان بختیاری

علی‌مردان‌خان، پسر علی‌قلی‌خان و از نوادگان ابدال‌خان (از طایفهٔ محمود صالح بختیاری) بود. مادر وی بی‌بی مریم بختیاری، دختر حسین‌قلی‌خان ایلخانی بود. هم‌زمان با ظهور رضاشاه و اجرای طرح‌هایی همچون خلع سلاح عشایر، تخت قاپو (اسکان اجباری عشایر) و کشف حجاب، عرصه بر بختیاری‌ها تنگ شد. به همین دلیل علی‌مردان‌خان با تأسیس جمعیتی به‌نام «هیئت اجتماعی بختیاری»، علیه حکومت مرکزی قیام کرد. قیام علی‌مردان‌خان، نیمهٔ خرداد ۱۳۰۸ شمسی شروع شد (امیری، ۱۳۷۷: ۷۷ – ۷۸). علی‌مردان‌خان به سپاه بختیاری دستور داده بود با کلاه نمدی بختیاری (به‌جای کلاه پهلوی) و پرچم «لااله‌الاالله» در این قیام شرکت کنند. دولت برای خاموش کردن قیام علی‌مردان‌خان، چند تن از بزرگان بختیاری را به منطقه اعزام کرد؛ اما علی‌مردان‌خان حاضر به صلح نشد.

رضاشاه هم وقتی از سرکوبی غائلهٔ جنوب فارغ شد، چندین فوج نظامی، به منطقهٔ بختیاری گسیل کرد. آخرین حملهٔ نیروهای نظامی هنگامی آغاز شد که علی‌مردان‌خان و یارانش در گردنهٔ زردیا (نزدیک قهفرخ/ فرخ‌شهر کنونی) مستقر شده بودند و نمایندگان حکومت با وی داشتند مذاکره می‌کردند. در این هنگام با ورود زره‌پوش، جنگ به مرحلهٔ دشواری رسید و بسیاری از افراد سپاه علی‌مردان‌خان کشته شدند. علی‌مردان‌خان با گروهی از سوارانش توانستند از آن منطقه بگریزند؛ اما در منطقهٔ میانکوه دستگیر شدند (همان، ۷۹ – ۸۰).

علی‌مردان‌خان سپس به زندان قصر منتقل شد و در همان‌جا و در سال ۱۳۱۳ شمسی تیرباران شد. شهادت علی‌مردان‌خان ـ که علیه استبداد رضاشاه قیام کرده بود ـ

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

موجی از غم و اندوه در میان بختیاری‌ها ایجاد کرد. یکی از واکنش‌های مردم به این واقعه، سرودن سوگ‌چکامه یا شوخینی است که بیش از هشتاد سال است که ورد زبان مردم این دیار است. در این سوگ‌چکامۀ حماسی، سرایندۀ ناشناس، ابتدا زبان‌حال علی‌مردان‌خان را در میدان نبرد توصیف می‌کند. تو گویی سرایندۀ خود با او در میدان نبرد بوده و آخرین وصایای او را از زبان وی شنیده است:

کُیه تیپ؟ کُیه سپاه؟ کُیه فراشم؟ ره بدین دام و دَدوم بیان سر لاشم

Koye tip? Koye sepâh? Koye farâšom? Rah bedin dâm o dadum biyân sare lâšom.

برگردان: تیپ، سپاه و خدمتکارانم کجایند؟ راه را باز کنید تا مادر و خواهرانم به سر جسدم بیایند.

بی‌عروس تو کِل بزن تا مو کُنُم جنگ شُمشیرم وِ گل زَنم سی ایل چالنگ

bi arus to kel bezan tâ mo konom jang šoširom ve gel zanom si ile čâlang.

برگردان: بی‌بی عروس تو هلهلۀ شادی سر بده تا من بجنگم و برای نجات ایل چهارلنگ، شمشیرم را از غلاف بیرون بیاورم.

بی‌عروس تو کِل بزن، کل بُساکی تفنگچی ز مَم‌صالح سُوار ز راکی

bi arus to kel bezan kele bosaki, tofangči ze mamsâleh sovâr ze râki.

برگردان: ای نوعروس تو هلهله‌ای از نوع هلهله‌های طوایف بُساکی سر بده تا به این وسیله تفنگچیان طایفۀ محمدصالح و سواران طایفۀ راکی باخبر شوند و به یاری من بیایند.

لاشُمه گِویل بِنین سر تَهدِ مُنگَشت بَل غرورُم نشکنه دورون وُرگشت

Lâšome gevuyal benin sar tahde mongašt, bal qorurom naškane dowrune vorgašt.

برگردان: ای برادران! جسد من را بر سر کوه منگشت قرار دهید. باشد که روزگار نتواند غرور من را بشکند.

بی‌وی‌یل سی کشتنم پلا بریدن گویلم ز داغ مو هی لاله چیدن

Biviyal si koštenom palâ boriden, gevuyalom ze dâqe mo hey lâle čiden.

برگردان: بی‌بی‌ها (زنان بلندپایه) بعد از کشته شدن من موهای خود را می‌بُرند و برادرانم از داغ من، سراغ گل‌های لاله می‌روند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

پس از آن، سراینده، لحن و شکل کلام را تغییر می‌کند و از خود که زبان گویای ایل بختیاری است، ابیاتی در عظمت آن قهرمان می‌سراید:

کیه ره علیمردون برنو سرِ شون بعد خوس اِی گویلم کی مَند به مِیدون

Koye ra alimerdun bernow sare šun, ba?de xos ey gevuyalom ki mand be meydun

برگردان: علی‌مردان که همیشه تفنگ برنو بر سر شانه داشت، کجا رفت؟ ای برادران! بعد از خودش دیگر چه کسی در میدان مانده است؟

شاد اِوی علیمردن تفنگ سر شون تَش بِنُم به قهفرخ تا کُه فردون

Šâd evey alimerdun tofang sare šun, taš benom be qahfarox ta kohe ferdun

برگردان: روح علی‌مردان شاد باشد؛ علی‌مردان که تفنگ بر سر شانه داشت. برای خاطر او باید از قهفرخ تا کوه فردون را به آتش بکشم.

شُمشیر علیمردن طلای بی غش به زُمین برق ایزنه به آسِمون تش

Šoširе alimerdun telaye bi qaš, be zomin barq izane be asemun taš.

برگردان: شمشیر علی‌مردان طلای ناب بود؛ روی زمین برق می‌زد و در آسمان همچون برق می‌درخشید.

تفنگ علیمردون هم باز صُدا کرد سرهنگ کله‌پوستی هَنگه بلا کرد

Tofange alimerdun ham baz soda kerd, sarhange kolapusti hange bela kerd.

برگردان: گوش کنید! گویی صدای تفنگ علی‌مردان هنوز به‌گوش می‌رسد؛ آن موقعی که سرهنگ سپاه پهلوی لشکر خود را گم کرده و پا به فرار گذاشته بود.

طیاره بال بال کُنه سر کُه فرودن اسم شانه کور کُنه شیر علی‌مردون

Tayyare bâl bâl kone sar kohe ferdun, esme šâne kur kone šir alimerdun.

برگردان: بالگردها بر سر کوه فِرودن به پرواز درآمده‌اند و آمده‌اند تا علی‌مردان‌خان را بکشند؛ علی‌مردان‌خانی که می‌خواست اسم شاه را از صفحه روزگار محو کند. (حسینی، ۱۳۷۶: ۷۲ – ۷۵؛ نوروزی، ۱۳۷۷: ۹۰)

این سوگ‌چکامهٔ حماسی در کتاب *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری* ۲۰ بیت است (همان)؛ اما در کتاب دوم آنزان، ۱۳ بیت (نوروزی، ۱۳۷۷: ۹۰. و این یکی از ویژگی‌های اشعار عامه است که در مناطق مختلف در ترتیب و تعداد ابیات آن‌ها اختلاف وجود دارد.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

۵ ـ ۲ ـ ۳. شوخین ابوالقاسم‌خان بختیاری

ابوالقاسم‌خان بختیار، فرزند لطف‌علی‌خان امیرمفخم و نوهٔ امام‌قلی‌خان حاج‌ایلخانی بود. پدر ابوالقاسم‌خان، میزبان علی‌اکبر دهخدا در قلعهٔ دزک بود. ابوالقاسم‌خان، دختر نصیرخان سردار جنگ، یعنی بی‌بی‌عظیمه را به همسری داشت. او تحصیل‌کردهٔ فرنگ بود که بعد از سقوط رضاشاه برای احقاق حقوق پایمال‌شدهٔ بختیاری‌ها، به منطقهٔ بختیاری آمد. او در سال ۱۳۲۵ شمسی با کمک ناصرخان قشقایی نهضت جنوب را علیه حکومت پهلوی سامان داد و توانست از چندین نقطه ضربات سهمگینی بر حکومت پهلوی وارد کند.

محمدرضاشاه برای سرکوبی ابوالقاسم‌خان، سپهبد تیمور بختیار (اولین رئیس ساواک و برادرزادهٔ ابوالقاسم‌خان) را به منطقهٔ بختیاری اعزام کرد. تیمور بختیار از طرف شاه به او امان‌نامه داد و او را با خود به تهران برد. در تهران ابوالقاسم‌خان را روانهٔ زندان کردند و پس از چندی به‌طرز فجیعی به‌قتل رساندند (آسمند، ۱۳۸۰: ۸۹؛ قاضی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۳ – ۱۱۴؛ پوره، ۱۳۸۱: ۱۲۱ – ۱۲۲). مزار وی در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی در شهر ری است (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۷۷).

خیزش ابوالقاسم‌خان نیز موجی از غم و اندوه در بختیاری ایجاد کرد. سرایندگانی بی‌نام و نشان در ابیاتی نام او را حفظ کردند. نگارنده صدای یکی از آن سرایندگان و خوانندگان را از قدیم دارد و در اینجا ابیاتی از آن صدای ضبط‌شده نقل می‌شود:

چار بالون، چار طیّاره، چار تا زره‌پوش مو گُدُم تیرون مرو بِم نگری گوش

Čâr bâlun čâr tayyare čâr tâ zerepuš, mo godom teyrun maro bem nageri guš.

برگردان: چهار هواپیما و چهار بالگرد و چهار تا زره‌پوش به مقابلهٔ با تو (ابوالقاسم خان) آمده‌اند. من چه‌قدر به تو نصیحت کردم که به تهران نرو (همراه با تیمور بختیار)؛ اما تو به من گوش ندادی.

بالونا وِ بال ایان موتور به لنگر لاش اِسپید آقا اَبُل مَند مِنِ سنگر

Bâlunâ ve bâl iyan motor be langar, lâše espied âqâ abol mand mene sangar.

برگردان: هواپیماها به پرواز درآمده‌اند و موتورهای نظامی یکی پس از دیگری می‌آیند. تو گویی جسد سفید ابوالقاسم‌خان در سنگر مانده است.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]
[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

مُسلسل دستِ چپم، برنو به راستم درجه سرلشگری دادن نخواستم

Mosalsal daste čapom bernow be râstom, daraje sarlašgari dâden naxâstom.

برگردان: سمت چپم تیربار است و سمت راستم، تفنگ برنو. آن‌ها حاضر شدند به من درجهٔ سرلشکری بدهند تا من از جنگ دست بردارم؛ اما من نپذیرفتم.

مُسلسل کار ایکنه تَنگ بالا تنگ کی دیده بچه‌لری با شا کُنه جنگ؟

Mosalsal kâr ikone tang bâlâ tang, kid ide bače lori bâ šâ kone gang.

برگردان: تیربار سرتاسر تنگ را تیرباران کرده است. چه کسی دیده است که پسر لری با شاه بجنگد؟

ای‌دا زوره، وُلا زوره، خدادونا دورس ناجوره ای دا جنگه وُلا جنگه خدا دونا جنگ تفنگه

Ey dâ zure volâ zure xodâ dunâ dowras nâjure, ey dâ jange volâ jange xodâ dunâ jange tofange.

برگردان: ای مادر! دوران زور است و خدا می‌داند که روزگار ناجوری است. ای مادر! جنگ است و خدا می‌داند که جنگِ با تفنگ است.

نظامی کله پوستی خدا دونا لِنگا ملاری مو گُدُم تو جنگ مکن خدا دونا وا بختیاری

Nezâmi kolapusti xodâ dunâ lengâ malâri, mo godom to jang makon xodâ dunâ vâ baxtiyâri.

برگردان: ای نظامی پهلوی! با آن کلاه پهلوی و با پاهای لاغر و ضعیف، چه‌قدر به تو گفتم که با بختیاری جنگ نکن.

۵ ـ ۲ ـ ۴. سوگ‌چکامهٔ بی‌بی مریم بختیاری

بی‌بی مریم دختر حسین‌قلی‌خان ایلخانی، خواهر علی‌قلی‌خان سردار اسعد بختیاری (از فاتحان تهران در انقلاب مشروطه) بود. بی‌بی مریم، مادر علی‌مردان‌خان بختیاری بود. او در جنگ جهانی اول، به طرفداری از آلمان‌ها ضد روس‌ها و انگلیسی‌ها قیام کرد (امیری، ۱۳۷۷: ۷۴ – ۷۵). وحید دستگردی (۱۳۰۷: ۱/ ۱۱۷) در کتاب *ره‌آورد وحید* و گارثویت[۲۳] (۱۳۷۵: ۸۹) در کتاب *بختیاری‌ها در آیینهٔ تاریخ* نقش او را ستوده‌اند.

برادر او، علی‌قلی‌خان سردار اسعد، نیز نقش ارزنده‌ای در پیروزی انقلاب مشروطه داشته است. فرزندش علی‌مردان‌خان بختیاری نیز از کسانی بود که با رضاشاه پهلوی نبرد تأثیرگذاری کرد. بی‌بی مریم در آستانهٔ جنگ جهانی اول، پناهگاه بسیاری از

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

آزادی‌خواهان ازجمله وحید دستگری بود. خیزش این زن دلیر در بختیاری سبب شد که برای او نیز چکامهٔ حماسی زیبایی بسرایند:

کاشکی بی (وای، وای) بی مریم (ای خدا) سردار زنگل// قطارا (وای، وای) حمایلس (ای خدا) ری دس مسلسل

Kaški bi vây vây bi maryama ey xodâ sardâre zangal, qatârâ vây vây hamâyeles ey xodâ ri das masalsal.

برگردان: ای کاش بی‌بی‌مریم را بود؛ بی‌بی مریم که سردار و فرماندهٔ زنان بختیاری بود. قطاری از گلوله‌ها را حمایل کرده بود و تیربار را به‌دست گرفته بود.

بی مریم (های، وُلا) شیر زنون (ای خدا) ز قله زیـــــد در// صد مِرد (وای، های) تفنگ به دس (ای خدا) نی واس برابر

Bi Maryam hây volâ šire zanun ey xodâ ze qale zeyd dar, sad merd vây hây tofang be das ey xodâ ni vâs barabar.

برگردان: بی‌بی مریم همچون شیرزنان، از قلعه بیرون آمد. او زن بود. زنی که صد مرد تفنگچی با او برابر نبود.

بی مریم (وای، وای) سُوار ایا (ای خدا) تفنگ سر شون// دهدر (وای، ولا) ایلخانیه (وای، ولا) دا علی‌مـــــردون

Bi Maryam vây vây suvâr iyâ ey xodâ tofang sare šun, dohdare ilxâniye vây volâ dâ alimerdun.

برگردان: بی‌بی مریم سوار بر اسب می‌آید، در حالی که تفنگ را بر سر شانه نهاده است. او دختر حسین‌قلی‌خان ایلخانی و مادر شیرعلی‌مردان بود.

بی مریم (وای، وای) لچک به سر (وای، وای) تفنگ سر دس// شیر جنگی (آخ) ایلمون (وای، خدا) مر منــــده بـــی کس

Bi Maryam vây vây lack be sar vây vây tofang sare das, šire jangi âx ilemun vây xodâ mar mande bi kas.

برگردان: بی‌بی مریم روسری را محکم به‌سر بسته و تفنگ را بر سر دست گرفته است. او شیرِ جنگیِ ایل ماست و تو گویی که بی‌کس و تنها مانده است. (راوی: کوروش اسدپور)

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

۵ -۳. سایر سوگ‌چکامه‌های حماسی (شوخین) بختیاری

علاوه بر چهار سوگ‌چکامهٔ نقل‌شده، در میان قوم بختیاری چندین سوگ‌چکامهٔ دیگر نیز وجود دارد که از ارائهٔ متن کامل آن‌ها خودداری می‌کنیم و فقط فهرست آن‌ها ارائه می‌شود:

- سوگ‌چکامه یا شوخین نامدارخان منجری، ۱۲۶۰ هجری (حسینی، ۱۳۷۶: ۶۲ – ۶۴).
- سوگ‌چکامه یا شوخین فریدون و نجفقلی (همان، ۲۱ – ۲۴).
- سوگ‌چکامه یا شوخین محمودخان بهداروند (همان، ۳۳ – ۳۹).
- سوگ‌چکامه یا شوخین مُنار (همان، ۴۰ – ۴۲).
- سوگ‌چکامه یا شوخین اندیکا، ۱۲۶۶ هجری (همان، ۴۳ – ۴۹).
- سوگ‌چکامه یا شوخین نُه هزار، ۱۲۵۳ هجری (همان، ۵۰ – ۵۳).
- سوگ‌چکامه یا شوخین سرخون، ۱۲۶۴ هجری (همان، ۵۴ – ۵۶).
- سوگ‌چکامه یا شوخین آعلیداد خدرسرخ (همان، ۵۷ – ۶۱).
- سوگ‌چکامه یا شوخین بختیار عرب‌کمری (همان، ۶۵ – ۷۱).
- سوگ‌چکامه یا شوخین خداکرم‌خان (پوره، ۱۳۸۱: ۱۰۶ – ۱۰۹).
- سوگ‌چکامه یا شوخین صیدال چنگایی و مندنی کاله (همان، ۱۱۰ – ۱۱۷).
- سوگ‌چکامه یا شوخین شیمبار (همان، ۱۰۱ – ۱۰۶).
- سوگ‌چکامه یا شوخین جهانشاه‌خان (قنبری عدیوی، ۱۳۹۴: ۱۴۵ – ۱۴۸).

۵ -۴. ساختار و محتوای سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری

سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری از نظر ساختار، نوعی شعر روایی ـ توصیفی‌اند؛ به عبارت دیگر، سراینده در این اشعار، با روایتی از یک جنگ برون یا درون‌مرزی بختیاری سروکار دارد و کار او در بهترین شکل ممکن این است که بتواند آن روایت را به‌زیبایی و هنرمندانه، در قالب اشعاری توصیف کند. البته، به شرطی که اصل و ذات روایت خدشه‌دار نشود. بنابراین، در این اشعار عمدتاً با توصیف صحنه یا صحنه‌هایی از نبرد یکی از قهرمانان بختیاری روبه‌رو هستیم.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

این سوگ‌چکامه‌ها، از نظر مضمون و محتوا و شکل روایی، در نوع ادبی حماسه جای می‌گیرند و از این نظر می‌توان آن‌ها را جزو اشعار حماسی عامه قرار داد. با این توضیح که در این اشعار، زمینه‌های غنایی نیز قوی است. در این سروده‌ها چند عنصر و زمینه از عناصر و زمینه‌های شعر حماسی وجود دارد:

الف) زمینهٔ روایی: ذات روایت یکی از ویژگی‌های اصلی شعر حماسی است. به عبارت دیگر، در شعر حماسی، «او» و روایت دربارهٔ «او» اصالت دارد و شاعر حماسی حتی باید حالات عاطفی خود را با ذات روایت منطبق کند (زرقانی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در این سوگ‌چکامه‌ها نیز سراینده راوی‌ای است که از زبان قهرمانان جنگ‌های بختیاری‌ها سخن می‌گوید. او در این سخن‌گویی، به بخش‌هایی از جنگ و اتفاقاتی که برای آن قهرمان و سپاه بختیاری روی داده است، اشاره می‌کند. پیشنهادهایی که به قهرمان داده شده و او نپذیرفته، سلاح‌هایی که قهرمان در نبرد به‌کار برده است و سفارش‌هایی که قهرمان در آخرین لحظات به هم‌سنگرانش کرده، مهم‌ترین مواد محتوایی و روایی این‌گونه اشعارند. البته، در بخش‌هایی از این اشعار، سراینده که خود از اقوام بختیاری و دوستدار قهرمانان است، به‌خود اجازه می‌دهد که وارد صحنهٔ شعر شود و به‌سود قهرمان سخن بگوید. بنابراین، آن بی‌طرفی موجود در شعر حماسی ادب رسمی را در این نوع از اشعار نمی‌توان دید.

ب) زمینهٔ قهرمانی: این اشعار در توصیف و بزرگداشت یکی از قهرمانان یا بزرگان منطقه‌ای سروده شده‌اند. قهرمانی که مورد علاقهٔ مردم بوده و به‌دلیل مردم و منطقه‌اش، قیامی را علیه دستگاه جور رقم زده است. بنابراین، در این سوگ‌چکامه‌ها زمینهٔ قهرمانی یا وجود قهرمان، همچون اشعار حماسی ادب رسمی قوی است.

ج) زمینهٔ قومی: در این سروده‌ها، احساسات قومی و محلی پررنگ است. بارها سرایندگان دشمن را خطاب کرده و گفته‌اند: «چه کسی به‌تو گفت که با بختیاری بجنگی؟ آیا نمی‌دانستی که تو در برابر بختیاری یارای مقاومت نداری» و... بنابراین، احساسات بومی و قومی در این اشعار قوی است، همچنانکه در اشعار حماسی (در ادب رسمی) نیز زمینهٔ قومی که بارزترین شکل آن برتری اقوام ایرانی است، قوی است.

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8] [Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

د) زمینهٔ ملی: در بسیاری از این سروده‌ها، مرزهای جغرافیایی اقوام کم‌رنگ می‌شود و سراینده وقتی از نابود شدن یا نابود کردن «شاه» سخن می‌گوید، گویی خود زبان گویای یک ملت است که از ظلم و جور به‌ستوه آمده است.

ه) روحیهٔ دلاوری و سلحشوری: یکی دیگر از ویژگی‌های این اشعار، داشتن زمینه‌های دلاوری و سلحشوری است. در این اشعار، دلیری، جنگاوری و سلحشوری قهرمانان محلی به بهترین شکل ستوده می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که مخاطب نیز با شنیدن آن اشعار، دلاوری و سلحشوری را حس می‌کند. البته، در این سروده‌ها، علاوه بر آنکه از دلیری‌ها و رشادت‌های قهرمانان و بزرگان قومی سخن به‌میان می‌آید، در همان حال نیز، از مرگ جان‌کاه آن‌ها نیز حکایت می‌شود و سروده با مویه‌های قومی و مردمی همراه می‌شود و از این منظر است که ما این سروده‌ها را سوگ‌چکامهٔ حماسی نامیدیم تا هم بتوانیم بار حماسی آن‌ها را نشان دهیم و هم بار غنایی آن‌ها را. البته، چنانکه گفته شد، بختیاری‌ها عمدتاً به این اشعار «شوخین» (شبیخون) یا «شوخی» می‌گویند و برداشت بیشتر مردم از آن‌ها، «بیت« یا بیت‌سروده‌هایی حماسی است در وصف جنگ و نبرد قهرمانان محلی با دستگاه ظلم و جور.

۵ -۵. جنبه‌های ادبی و زبانی سوگ‌چکامه‌های بختیاری

سوگ‌چکامه‌های بختیاری از آن جهت که سرایندهٔ مشخصی ندارند و در منطقه‌های مختلف در ترتیب و تعداد ابیات آن‌ها اختلاف وجود دارد، جزو اشعار عامه هستند و مانند بسیاری از اشعار عامه، عمدتاً در قالب مثنوی سروده شده‌اند و دارای اشکالات وزنی و قافیه‌ای هستند و سرایندگان آن‌ها با توجه به قلت دانش و سواد ادبی، گاهی از قافیه‌های قبلی استفاده کرده‌اند و ابیات آن‌ها نیز به‌ندرت از پنجاه بیت فراتر می‌رود. وزن در این اشعار، مانند بسیاری از اشعار عامه، هجایی است؛ اما از آنجا که این اشعار بیشتر با صدای خوش و موسیقی خوانده می‌شوند، کمبود جنبهٔ موسیقی عروضی آن‌ها از جهت کیفیت هجاها، با صوت و موسیقی جبران می‌شود. چنانکه گفته شد، این اشعار اشکالات قافیه‌ای دارند؛ اما دارای قافیه هستند، اگرچه از ردیف در آن‌ها خبری نیست. در برخی از این اشعار، جنبهٔ موسیقایی قافیه قوی است:

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

بی‌عروس تو کِل بزن، کل بُساکی تفنگچی ز مَم‌صالح سُوار ز راکی

Bi arus to kel bezan kele bosâki, tofangči ze mamsâle sovâr ze râki.

(حسینی، ۱۳۷۶: ۷۳)

از منظر آرایه‌های ادبی هم این‌گونه اشعار، مانند بیشتر اشعار عامه، فاقد آرایه‌های ادبی پیچیده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۳۰۶). شاخص‌ترین آرایه‌ها در این اشعار، همانند اشعار حماسی در ادب رسمی، عبارت‌اند از: تشبیه، اغراق و کنایه. بیشترِ تشبیهات هم محسوس، عینی و ساده‌اند:

شُمشیر علیمردون طلای بی غش به زُمین برق ایزنه به آسِمون تش

Šošire alimerdun telaye bi qaš, be zomin barq izane be asemun taš.

(همان جا)

شمشیر شاه اسدم چی نیزه اَفتو هَمسو که زَنِس به گِل دِشمن کُنه تَو

Šošire šâh asad či neyze afto, haso ke zanes be gel dešmen kone tow.

(همان، ۲۵– ۲۹)

از نظر ارزش‌های تاریخی و فرهنگی نیز، چون این اشعار بیشتر بازگوکنندهٔ بخش هایی از تاریخ مبارزات قهرمانان بختیاری‌اند، می‌توانند در شناخت تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی اقوام گوناگون ایرانی، به‌ویژه قوم بختیاری سودمند باشند. وانگهی در بسیاری از این سوگ‌چکامه‌ها به پاره‌ای از باورها و آداب و رسوم مردم اشاره شده است و چنانکه گفته شد، در این سوگ‌چکامه‌ها انگیزه‌های نبرد با دستگاه حاکم، تهدیدها و تطمیع‌ها، فریب‌ها و نیرنگ‌ها، انواع تجهیزات، محل جنگ و نحوهٔ مبارزات قهرمانان تا کشته‌شدن آن‌ها به‌تصویر کشیده می‌شود و از این رو، می‌توان گفت سوگ‌چکامه‌های حماسی بختیاری، اشعاری چندوجهی هستند و شاید به همین دلیل است که هنوز هم جزو پرطرفدارترین اشعار عامهٔ این منطقه‌اند و از این منظر می‌طلبد که تمام کسانی که دل در گرو تحقیق در ادب عامهٔ اقوام ایرانی دارند، به این‌گونه از اشعار و ادب عامه هم توجه کنند و آن‌ها را نیز نقد و ارزیابی کنند.

۶. نتیجه

در این مقاله «سوگ‌چکامه»های حماسیِ بختیاری به‌عنوان گونه‌ای از اشعار عامه در زبان بختیاری بررسی شد. سوگ‌چکامه نامی است که در این مقاله در برابر واژهٔ

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

«شوخین» (شبیخون) بختیاری به‌کار رفته و نشان داده شده است که با توجه به‌حضور تأثیرگذار افرادی از قوم بختیاری، در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران و درنهایت، کشته شدن آن‌ها در آن عرصه‌ها، سوگ‌چکامه‌هایی در توصیف نبرد آن قهرمانان سروده شده است. متأسفانه با همهٔ اهمیتی که این سوگ‌چکامه‌ها در این منطقه دارند، آن‌چنان که شایسته است تاکنون توجه و نقد و ارزیابی نشده‌اند و به‌تبع آن، جایگاه آن‌ها در حوزهٔ اشعار عامه مشخص نشده است. در این مقاله که با هدف معرفی، توصیف و نقد این‌گونه از اشعار عامه در بختیاری تهیه شده، نشان داده شده است که در میان قوم بختیاری، بالغ بر ۲۴ سوگ‌چکامه یا شوخین وجود دارد که از این تعداد، سوگ‌چکامه‌های اسدخان بهداروند، علی‌مردان‌خان بختیاری، ابوالقاسم‌خان بختیاری و بی‌بی مریم بختیاری از همه معروف‌ترند؛ زیرا انگیزهٔ جنگ در آن‌ها، انگیزه‌ای فراقومی است. در این سوگ‌چکامه‌ها، سراینده هم نگاهی به صحنه‌های جنگ دارد و هم نگاهی به صحنه‌های سوگ و شیون مردم در غم از دست دادن قهرمانان خود. عظمت و بزرگی قهرمان را ستایش می‌کند و ضعف و جبونی دشمن را به رخ او می‌کشد. از فریب‌ها و نیرنگ‌هایی سخن می‌گوید که سبب شدند تا این دلیرمردان، ناجوانمردانه به دست دشمن کشته شوند. همچنین، در این مقاله مشخص شده است که سوگ‌چکامه‌های بختیاری مانند بیشتر اشعار عامه، سرایندهٔ مشخصی ندارند. در ترتیب و تعداد ابیات آن ها اختلاف وجود دارد. وزن آن‌ها هجایی است. قافیه دارند؛ اما مردف نیستند. عمده ترین آرایهٔ ادبی در آن‌ها عبارت‌اند از تشبیه، اغراق و کنایه. وانگهی با توجه به مضمون و محتوای حماسیِ این سوگ‌چکامه‌ها و وجود زمینه‌های شعر حماسی در آن‌ها ازجمله زمینه‌های روایی، قهرمانی، قومی، ملی و روحیهٔ دلاوری، بهتر است این‌گونه اشعار را زیرمجموعهٔ اشعار حماسی عامه، با عنوان سوگ‌چکامه‌های حماسی قرار دهیم تا هم بتوانیم بار حماسی آن‌ها را نشان دهیم و هم به‌گونه‌ای بار غنایی آن‌ها را و البته، در هر منطقه از کشور، نام محلیِ آن اشعار را نیز ذکر کنیم، چنانکه ما در همه جای این مقاله در کنار ترکیب «سوگ‌چکامهٔ حماسی بختیاری»، واژهٔ «شوخین» (شبیخون) را ذکر کرده‌ایم.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

پی‌نوشت

1. Zhoukovskii

منابع

- آسمند، علی (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات در قوم بختیاری*. اصفهان: شهسواری.
- امیری، مهراب (۱۳۷۷). «حماسهٔ علی‌مردان‌خان بختیاری». به‌کوشش غلامعباس نوروزی بختیاری. چاپ‌شده در *کتاب آنزان*. ش ۲. صص ۷۳ – ۹۰.
- پوره، کاظم (۱۳۸۱). *موسیقی و ترانه‌های بختیاری*. تهران: آنزان.
- حسینی، بیژن (۱۳۷۶). *اشعار و ترانه‌های مردمی بختیاری به‌انضمام شرح جنگ‌ها و حماسه‌ها*. اصفهان: شهسواری.
- حنیف، محمد (۱۳۸۶). *سور و سوگ در فرهنگ عامهٔ لرستان و بختیاری*. تهران: طرح آینده.
- خسروی، عبدالعلی (۱۳۷۲). *تاریخ و فرهنگ بختیاری*. اصفهان: حجت.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۷). *زبان و ادبیات عامهٔ ایران*. چ ۳. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی کمرپشتی (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی بومی‌سروده‌های ایران». *ادب‌پژوهی*. ش ۷ و ۸. صص ۱۴۳ – ۱۷۰.
- رئیسی، داراب (۱۳۷۵). *گلبانگ بختیاری*. چ ۳. شهرکرد: ایل.
- زرقانی، سیدمهدی (۱۳۸۸). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی*. تهران: سخن.
- ژوکوفسکی، والنتین آلکسی‌ویچ (۱۳۹۶). *موادی برای مطالعهٔ گویش بختیاری*. ترجمهٔ مریم شفقی و سید مهدی دادرس. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیاهپور، کشواد (۱۳۹۲). *حوادث تاریخی بویراحمد در دوره‌های قاجار و پهلوی و بازتاب آن در اشعار شاعران محلی*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ تاریخ. به راهنمایی عبدالرسول خیراندیش. دانشگاه شیراز.
- قاضی‌زاده، مریم (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی شعر بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.
- قنبری عدیوی، عباس (۱۳۹۱). *ادبیات عامهٔ بختیاری*. شهرکرد: نیوشه.
- گارثویت، جن. راف (۱۳۷۵). *بختیاری در آیینهٔ تاریخ*. ترجمهٔ مهراب امیری. تهران: آنزان و سهند.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

ـ غفاری، عیسی (۱۳۸۸). «موسیقی سوگ در ایل بختیاری، نگاهی به آواز گاگریوه (گوگریوه) و ساز چپی (ساز وارونه) در موسیقی بختیاری». *کتاب ماه هنر و معماری*. ش ۸۲. صص ۱۷۰ – ۱۸۴.

ـ مددی، ظهراب (۱۳۹۲). *واژه‌نامهٔ زبان بختیاری*. (ویرایش دوم). اصفهان: ظهراب مددی.

ـ نوروزی بختیاری، غلامعباس (۱۳۷۷). *کتاب آنزان (کتاب دوم: ویژهٔ فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن بختیاری)*. تهران: آنزان.

ـ وحید دستگردی، حسن (۱۳۰۷). ره‌آورد *وحید*. تهران: چاپخانهٔ فردوسی.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]

Descriptive and structural criticism of Bakhtiāri's epic odes mourn: a type of folk poems

Asghar Shahbāzi [1*]

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature – Farhangiān University of Shahre –kord-Iran.

Received: 10/05/2019 Accepted: 30/06/2019

Abstract

In Bakhtiāri dialect, šowxin is a type of folk and epic poetry that describes the bravery, struggle and murder of one of the brave elders or men of Bakhtiāri people. Like other folk poems they have had anonymous poets. The order and number of their verses are different, and mainly reflect the love and devotion of people towards their ethnic heroes. These poems also refer to certain traditions, beliefs in addition to historical, political and social issues of Bakhtiāri people. Since most of works on Persian folk language and literature has not been adequately addressed, this article provides an overview of the research on Bakhtiāri poetry. These poems have been described and it is briefly stated that there is about 24 šowxin type (389 verse) in this dialect, among them four are important and remarkable. The present paper seeks to explore the structural and content characteristics of Bakhtiāri's šowxin, such as their templatic characters, elements, contexts of epic poetry and strong descriptions. Šowxins are considered influential folk poems and deserve to be taken into account from different viewpoints among different ethnic groups.

Keywords: Folk poems, Bakhtiāri dialect, ode, šowxin, Ali Mardān Khan, Sardār Maryam Bakhtiāri

***Corresponding Author's E-mail:** asgharshahbazi88@gmail.com

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.28.6.8]